

مکاشفات در باب

حضور اعلیحضرت در کنگره آمریکا

امیرفیض- حقوقدان

این تحریر اجازه می‌خواهد قبل از ادامه نقد بیانات اعلیحضرت در کنگره آمریکا به موضوعی، که در برخی محافل مطرح و آن عدم لزوم و حتی تعبیر به خطاکاری حضور اعلیحضرت در کنگره آمریکا است، باتفاق نگاهی داشته باشد.

مستفاد از اعتراضاتی که در این مورد انتشار یافته بر دو پایه است؛ عده ای برای آن جریان ارزش و اعتباری قائل نیستند و آنرا یک رویه معمولی میدانند که هرکس میتواند به کنگره آمریکا برود و با سناتورهای ملاقات بکند و نتیجه گرفته اند که این اقدام افتخاری نیست. (۱)

عده کمتری که میتوان حد آنها را بیک آدم پرخاشگر فحاش معروف به فساد اخلاق که آلبوم فحاشی‌ها و اتهاماتی که او و آدمهایش متوجه اعلیحضرت رضاشاه دوم کرده است یک سند مسلمی است که انگیزه او از تحقیر اعلیحضرت را نشان میدهد ادعا دارد که **چرا باید رضای پهلوی به کنگره آمریکا برود درحالی‌که آمریکا باتدارک شورش ۵۷ علیه پدرش اقدام کرد.** (۲)

باسخ به اظهارات گروه اول

(۱) - اگر هرکس میتواند به کنگره آمریکا برود و با سناتورهای مذاکره کند این عمل یک کار عادی میشود و دیگر اعتراضی متوجه رضا پهلوی که او هم از نظر کلی یک شخص است وارد نیست. در تطبیق، همانطور که نوشیدن آب و یا گردش در پارک یک کار همگانی است و هرکس آبی نوشید و یا به پارک رفت؛ انگشت نما نمیشود، رفتن اعلیحضرت هم به کنگره اگر کار عادی است دیگر چرا باید حضرات را ناراحت کند. تاجانی که اعلیحضرت مظهر و هدف استیضاح قرار گیرند.

عدم منع و جواز عمل

*** هیچ منعی برای مذاکره اعلیحضرت با شخصیت‌های خارجی در هر کجای دنیا که باشد وجود ندارد. دامنه این آزادی آنقدر وسیع است که برای هیچ ایرانی نیز گفتگو با خارجی‌ها به استثنای موارد اطلاعاتی و جاسوسی ممنوع نشده است و برجیزی که منع وارد نشده جواز عمل وارد است.

راه و رسم دنیای امروز

دنیای امروز دنیای دیالگ است، مشکلات جهانی باید از طریق گفتگو حل شود چرا که شخصیتی که میتواند راجع به کشورش با شخصیت‌های سیاسی جهان گفتگو کند، معرف کشورش باشد از انجام این وظیفه ملی بازداشته شود؟ واقعا نام این ممنوعیت خیالی چیست؟ و اگر اعلیحضرت تمایلی به مذاکره با

سناتورهای آمریکائی نشان نمیدادند ایرانیها چه برداشتی از این غفلت بدون جواب میداشتند؟ نمیگفتند از چند قدم رفتن به کنکره امتناع کرد، شاید فرجی میبود؟ و شاید سایه جنگ دورمیشد؟

انتقاد، آری ممنوعیت خیر

❖❖ اعلیحضرت درکمال سربلندی و غرورملی و با تسلط به مراتب سیاسی با نمایندگان کنگره گفتگو کردند، ممکن است درمراتب گفتگو نظرات انتقادی وجود داشته باشد ولی اصل موضوع یعنی ملاقات را نمیتوان محکوم کرد و کسانی که مدعی این محکومیت هستند خوبست نصی یا سنتی و یا قاعده بین المللی دراین مورد ارائه دهند.

تفاوت را منظور داریم

❖❖ اعلیحضرت از نظر حقوق سیاسی ایران پادشاه هستند و البته مراسم تشریف فرمائی پادشاه به کنگره آمریکا با آنچه که درمورد رضاپهلوی ناظر بودیم متفاوت است ولی فراموش نکنیم که از نظر حقوق بین الملل و قانون آمریکا اعلیحضرت پادشاه شناخته نمیشوند و رعایت تشریفات پذیرائی از ایشان نمیتواند همانند تشریفات پذیرائی از شاه باشد.

دامنه وسیع خدمت به میهن

❖❖ شاهنشاه ایران برای کمک به نجات ایران در جریان شورش ۵۷ در آن شرائط حساس به آمریکا تشریف فرما شدند و با کارتر مذاکرات داشتند و این بدان معناست که هرایرانی تا چه رسد به شاه و یا متصدی سلطنت درهرشرائطی که فکر کند ممکن است ملاقات و مذاکره با شخصیت های خارجی موثر در نجات ایران باشد نباید کوتاهی کند.

ماهیت حقوقی مذاکره

❖❖ ملاقات و مذاکره با شخصیت های سیاسی برای رهبران سیاسی یک کارسیاسی است و نه دعوت به مداخله نظامی تلقی و نه فعل مذموم شناخته میشود.

نص، ضابطه است

❖❖ رهبران و شخصیت های سیاسی هرکاری و یا عملی و یابیانی که بگویند، بانظرات موافق و مخالفی روبرومیشوند و اگر نصی درمورد مزبور وجود داشته باشد آن نص میزان تشخیص حق است و اگر موردی باشد که نصی برای سابقه نداشته باشد اقتضای تشخیص با آن شخصیت و رهبرسیاسی است نه همه مردم.

این روشی که در جامعه سیاسی ماهست که به اقدام رهبر و یا هر شخصی تیراندازی میشود این ولنگاری است نه کار سیاسی، کار سیاسی بایستی در قالب نص و مشروعیت جاسازی شود اگر انتقاد است در همان قالب باشد و اگر هدایت است، خواستاری حرکت و یا توقف است، در قالب نص و سنت مشروطیت باشد نه امر نظری؛ ضرب المثل <نمیدانم با ساز که باید رقصید> مصداق رفتار ماست؛ مگر میشود کاری کرد و صحبتی کرد که همه ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی موافق باشند، الا اینکه از سنت مشروطیت و قانون اساسی و متمم بن نشئات یافته باشد.

مقایسه

این قاعده عقلانی و منطقی را مقایسه کنید با روش ولنگاری کسانی که زیر نام نامه هشدار چه بیشرمی ها ببار آوردند و هنوز هم متنبه نشده و ادامه میدهند.

دسته دوم

(۲) این دسته همان توطئه گران نامه هشدار به سردستگی امید دانا است؛ اعتراض این دسته بدلیل بحث **صلاحیت** نمیتواند در جایگاه توجه جامع که رویه تحریرات است قرار گیرد به همین دلیل **عنوان مکاشفات** برای این تحریر انتخاب شده است، زیرا یکی از تعاریف دانه وسیع معانی مکاشفات، **کشف موضوعات است بدون توجه به نقش و شخصیت اشخاص.**

در توجه و نقد جامع، نمیتوان شخصیت علمی و اجتماعی و سیاسی نویسنده و یا گوینده را منظور نداشت ولی در مکاشفه، بهر دلیلی که باشد تنها به کلیاتی از متن که جنبه کلی چه حقوقی و یا فلسفی دارد نگاه میشود اکنون:

دلایل عدم صلاحیت

*** * اول- امید دانا، سلطنت طلبان را که مخاطب قرارداد عنوان **پست تراز خمینی رابه آنها داده است****
 . در این صورت، هرگاه که سلطنت طلبی به یاوه های آنها پاسخی بدهد و یا وارد اعتراض بشود به وجه ضمنی قبول کرده که **پست تراز خمینی است (ایجاب و قبول) لذا مادامی که امید دانا با عنبر خواهی، از این فحاشی و قیاس بکلی غلط رفع اثر ننماید و یا حداقل مدعی اشتباه در کلام نشود، لیاقت و صلاحیت نرا ندارد که سلطنت طلبان به او پاسخ بدهند.**

*** * یک قاعده و باور عمومی بر این پایه هست که میگوید؛ <قبول عنوان، ایجاد تکلیف میکند> یعنی اگر عنوان برجسته و یا دومی به کسی داده شد و طرف آنرا مصدر عمل و پاسخ قرارداد نسبت به آن عنوان تکلیف پیدا میکند مگر اینکه هیچ اهمیتی ندهد و یا با اقدامی از خود و عنوان رفع توجه کند یعنی اعلام کند که بنده چنین عنوان و یا اتهامی را قبول ندارم.**

همانطور که بیاد دارید امید دانا وحتی شهرام همایون و مسعود صدر اصرار داشتند که اعلیحضرت به اظهارات تیم تبهکاران پاسخ بدهند و منظور آنها تانید اتهامات آنها به اعلیحضرت بود که اعلیحضرت اعتنائی نفرمودند و درحقیقت از همان قاعده معروف جواب ابلهان خاموشی است استفاده فرمودند.

ماهیت اتهام (پست تراز خمینی)

اتهام **<پست تراز خمینی>** که به هواداران سلطنت از ناحیه سردسته تبهکاران داده شده چیز کم اهمیتی نیست اهمیتش در این است که اولاً تسری جمع دارد یعنی متوجه ملیونها ایرانی سلطنت طلب و هواخواه اعلیحضرت است و دوم اینکه دامنه اتهام و خفت نامحدود است و درحالیکه ایرانیان رذالت و خونخواری و ضد ایرانی بودن را در مد وسیع از مختصات پستی و رذالت خمینی میدانند پست تربودن از آن موجود پلید میشود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل) و در نهایت تعبیر به رذالت و پستی در حد ناسوت میگردد.

شرط احتیاط

گرچه نظریه ای میگوید که بر اظهارات دیوانه و محجور و ولگرد وزن لجاره جواب لازم نیست وقاعده عمل، <جواب ابلهان خاموشی است> ولی شرط احتیاط آن است که نویسنده این تحریر نباید به اظهارات امید دانا طوری پاسخ دهد که امید دانا خطاب پاسخ تلقی کند زیرا غیر مستقیم اتهام **پست تراز خمینی** بودن را قبول کرده است؛ و بهمین دلیل این تحریر در مقام پاسخ به اظهارات امید دانا نیست بلکه بصورت مکاشفه وارد میشود و از متن، کشف موضوع میکند و همانطور که عرض شد اگر او براه عذرخواهی و یا حداقل اشتباه برود قضیه تغییر خواهد کرد.

***** دلیل دوم عدم صلاحیت – همانطور که در تحریرات سابقه تحت عنوان اصول مفقود و بهانه موجود**

عرض شد؛ اعتراض و انتقاد وحتی استیضاح به کسی وارد است که واجد صلاحیت و شخصیت مقامی و یا کاری باشد و کسی که محکوم! به خیانت، بی شرافتی و دشمنی با موجودیت ایران و ملت ایران شد وحتی در جایگاهی قرارداده شد که لیاقت تف انداختن به صورتش را هم ندارد و این جریان به گواهی و امضای ۵۰ «نفر» به جریان افتاده آن شخص نمیتواند از سوی امید دانا و مریدان او با وجود کلکسیون فحش نامه ها طرف استیضاح و یا اعتراض قرارگیرد که <چرا با سناتورهای آمریکائی مذاکره کرده است؛ پس خائن است> مگر یک نفر را چند بار میتوان خائن نامید؟ خائن منتظر مجازات است نه ۳۵ مورد فحش و اتهام بعدی و هر روز هم افزایش ن.

کسی که اتهام خیانت پیدا کرد از گردونه کار سیاسی و دولتی و امانت داری و اعتبار و اعتماد عمومی خارج میگردد و کسی که به بی شرافتی متهم شد از شرافت اجتماعی خلع میگردد بنابراین نه خائن و نه آدم بی شرف جایگاه و موقعیتی ندارد که بار دیگر خائن و بی شرف شناخته شود.

مکاشفه در موضوع

قبل از طرح موضوع، از جاوید ایران سپاسگزاری میشود که روعسی از برنامه رودست را بطور کتبی در اختیار ارادتمند قرارداده است و این تحریر بر مبنای آن مساعدت تنظیم میشود.

مورد مکاشفه در هاشم این موضوع است که متن، مذاکرات اعلیحضرت با سناتورهای آمریکایی را خیانت دانسته و مدعی است که آمریکا **که با پدر رضا پهلوی آن ناسازگاری هارا داشته چراباید فرزندش با سناتورهای آن کشور مذاکره کند** و در این مورد نشانی هائی هم داده است که رضاشاه کبیر بجای مذاکره با سمیتقو اورا از پای در آورد ویا شاهنشاه آریامهر بجای مذاکره با فرقه دمکرات وقاضی محمد آنها را قلع و قمع کرد.

دست آورد های مکاشفه

*** اولاً قیاس موقعیت رضا پهلوی با رضاشاه کبیر و شاهنشاه آریامهر، کلا قیاس مع الفارغ است. پادشاهان پهلوی در موقعیت اقتدار قانونی و در کشور خود بودند و اعلیحضرت رضاشاه دوم علاوه بر آنکه فاقد این موقعیت ها هستند در خارج از کشور هم تحت تحریم های سیاسی آمریکا میباشند.

*** دوم که بسیار با اهمیت است دانه اقداماتی که ناشی از حقوق سیاسی داخلی است نمیتواند عیناً مورد عمل در روابط سیاسی با کشورها قرار گیرد. روابط کشورها از جهت صلح ودوستی و یاجنگ و دشمنی تابع منشور سازمان ملل متحد است نه سیاست رهبر کشور.

*** این اخلاق و روش آدم های متعصب مذهبی است که برای کشته شدن یک عرب بدست عرب دیگری ۱۴۰۰ سال است که گروهی از مسلمانان بنام تشیع وتسنن در حال دشمنی قرار دارند و یا صراحت قرآن است که بین پیروان یک پیامبر با پیروان پیامبر دیگر اعلام دشمنی دیرینه وابدی شده است.

*** شاهنشاه آریامهر با آنکه میدانست که دولت انگلیس علیه پدرتاجدارشان اقدام واورا تبعید کرد معهداً به اعتبار منشور سازمان ملل ونزاکت های بین المللی ومنافع ملی با دولت انگلستان روابط حسنه برقرار ساخت. این فکر غلط و بسیار کوتاه فکرانه است که اگر ایران صدمه ای از کشور خارجی خورده باید تا ابد با آن کشور قطع رابطه کند ویا بجای دوستی ومذاکره، از جنگ سر در بیاورد وچون رضاشاه کبیر رفتاری راکه با سمیتقو کرد با انگلیس هم بکند.

مگر رضاشاه کبیر وشاهنشاه آریامهر آگاه نبوده اند که چگونه حقوق ایران در فاجعه ترکمانچای از ناحیه روسیه وانگلیس وفرانسه پایمال شد پس چرا بجای جنگ با آنها راه دوستی وهمکاری را پذیرفتند.

مگر شاهنشاه ایران نمیدانستند که دولت انگلیس وروسیه چه بلانی برسرکشورما در سال ۱۳۲۰ آوردند پس چرا به جای جنگ با آنها به روابط دوستان متوسل شدند؟^۱

۱- تنها در دوستی بین کشور ها است که کارمندان با تجربه و آموزش دیده در سفارتخانه ها میتوانند جزییات و آگاهی هایی در باره کشور پذیرنده را گرد آورده به کشور متبوع خود برسانند. ۳۸ سال است آمریکا سفارتخانه در ایران ندارد و از این امتیاز بی بهره مانده است و بنابراین هر ایرانی را پیدا میکند میخواهد آن ایرانی برای آمریکا جاسوسی بکند، فخر آور، باطبی، سازگارا، گنجی، رضا ضراب، کسان دیگری که همگی در تماس با مایکل لدین و کنت تیمرمن و دیگر سناتور های آمریکا هستند حتا امید دانا همگی به ترتیبی در خدمت آمریکا قرار دارند. ح-ک

در راه حفظ منافع ملی خیلی گذشت ها لازم است، در تمام کشورهای جهان این صیغه گذشت و صرفنظر از اقدامات گذشته در روابط سیاسی کشورها ناظر است؛ همین آلمان بیشترین صدمه را از آمریکا و انگلیس در جنگ جهانی دوم خورد معهداً امروز متحد آمریکاست. فرانسه و همه کشورهای اروپائی نیز.....

*** این افکار انتقامجویانه آنها از کشورها نهایت بی عقلی و نفهمی است در هیچ متنی تاکنون چنین توصیه ای یعنی حفظ حالت جنگ با کشورهایی که در گذشته به ما صدمه زده اند دیده نمیشود؛ الا در قانون اساسی جمهوری اسلامی که آنها مترادف با اعتقادات دینی است نه مسائل مادی و اگر بخواهیم این قاعده غیرانسانی را رایج بدانیم در هیچ نقطه از جهان آرامش جزئی هم وجود نخواهد داشت.

اتهام قبح خیانت

*** متن مورد مکاشفه، نتیجه گرفته است که رضاپهلوی با ملاقات با سناتورهای آمریکائی قبح خیانت

را شکسته است.

عمل خیانت در قوانین همه کشورها تعریف مشخص دارد در کدام قانون و یا قانون مورد استناد متن، به ملاقات با سناتورهای آمریکائی و یا مذاکره با آنها عنوان خیانت داده شده است که رضاپهلوی با ملاقات با سناتورها قبح خیانت را شکسته باشد؟! اول برادریت را ثابت کن و بعد ادعای ارث و میراث کن، مصداق مورد است؛ جمهوری اسلامی که خودش سی سال است با آمریکا در حالت جنگ و قطع رابطه سیاسی است مذاکره دارد. مبنای کارسازی سیاسی جهان از مسیر مذاکره است، همه برنامه های اینترنتی نوعی مذاکره است یعنی چه، مذاکره با خارجیان خیانت است؟^۲

مکاشفات بعدی

۱- هدف چیست

از جمله دستاوردهای این مکاشفه این است که در حد بینهایت و غیرقابل تصویری حمله و هتاک و اتهام سازی به شخص اعلیحضرت قطع شدنی نیست؛ جریان از یک کار سیاسی و حتی مخالفت ها از سبک احمقانه هم گذشته است و حتی از حد یک اقدام کارمزدی هم گذشته است.

بظاهر ممکن است یک محقق نا آشنا سردرگم ماند ولی کسی که به مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی آگاه است، خوب میداند که در شرائط کنونی تنها مستفیض از این حمله به اعلیحضرت جمهوری اسلامی و در ردیف بعد مجاهدین خلق هستند و تحقیر و تلاش برای بی اعتبار کردن اعلیحضرت سبب قطع امید مردم ایران از اعلیحضرت و ناچاراً توسل به جمهوری اسلامی میگردد.

۲- درست‌تر سردرگم دران جنگ سرد آمریکا و روسیه مرتب در حال مذاکره بوده اند. سفر آقای نیکسون به چین در حالیکه در دو جناح گوناگون بودند برای مذاکره بود. همین روز ها که مسئله کره شمالی با آمریکا در جریان است نمایندگان دو کشور در حال مذاکره هستند. ح-ک

۲- تلاش برای پادشاهی خود

بادقت در ابعاد و شدت وحدتِ تهاجم به اعلیحضرت این برداشت لاقفل برای بنده متصور است که انگیزه این حرکت و پیگیری آن نمیتواند منحصرآ تامین منافع جمهوری اسلامی باشد و بیشتر شباهت به کاری دارد که شخص برای خودش انجام میدهد نه برای غیر.

کشفیات اینجانب به اینجا رسیده است که فعالیت سردسته گروه مزبور زمینه سازی برای پادشاهی خودش است تا در کنار حمایت از جمهوری اسلامی و استفاده از آن امکانات میخ سلطنت خود را بکوبد.

راه تمیز حق از باطل

راه حل صحت و سقم این برداشت این است؛ سردسته تبهکاران در مقابل یک سوال قرار گیرد و اگر سکوت اختیار کرد دلیل بر صحت و درستی برداشت این تحریر است و اگر برداشت تحریر را درست نداند به سوال مطروحه برای رفع سوء تفاهم پاسخ خواهد داد.

سوال

باتوجه به اینکه تجلیل از شاهان پهلوی به معنای تصدیق تاریخ است و هواداران پادشاهی به معنای کسانی است که هوادار و طرفدار پادشاه موجود هستند و لازمه وجود هواداران پادشاهی وجود پادشاه است و با توجه به اینکه گروه تبهکار قائل به صلاحیت رضاپهلوی بعنوان پادشاه نیستند (مستند کلکسیون فحشنامه) توضیح دهید که پادشاه مورد نظر کیست و چه سندی بر مشروعیت آن پادشاه وجود دارد.

تکمیل کلکسیون فحاشی ها

به استحضار میرساند که بر کلکسیون فحاشی ها یک مورد اخیرا ابداع شده و انهم **اهانت بی پرستی** است که به اعلیحضرت نسبت داده شده و ردیف فحشنامه ها به **رقم ۳۶** ارتقا یافته است.

بنابر نقل قولی که شده در برنامه سردسته این ریاکاران (امید دانا) از تصاویر شاهنشاه آریامهر و رضاشاه کبیر و شادروان و الاحضرت علیرضا استفاده شده و با روشن کردن شمع یک صحنه ای از ریا کاری بوجود آورده تا سلطنت طلبان، رودست و امید دانا رایک پایگاه اعتقادی سلطنت طلبان بدانند.

این ظاهر سازی، معمول و تنها رشته کار ریاکاران است که با کلام و عمل دام گستری کنند.

ریاکاران عالم را چو بینی همه از بازی کارزبان اقتاعند

درشکارگاهها هم تعدادی مرغابی ویا کبک دست ساز میگذارند تا پرندگان به خیال آنکه آنجا جایگاه امنی است در آنجا توقف کنند و آنوقت شکارچی که امید دانا است باتیراندازی بسوی نماد ملت که اعلیحضرت و امید سلطنت طلبان و ملت ایران هستند با تیر بی آبرویی و هتاکی اعلیحضرت و همه سلطنت طلبان را به گلوله میبندد.

حاشیه = در همان برنامه، امید دانا سلطنت طلبان را از خمینی پست تر خطاب کرده و از سلطنت طلبان خواسته که خجالت بکشند و همچنین **اتهام وبدهنی بی پرنسپیی را هم به کلکسیون فحاشی های به اعلیحضرت اضافه کرده است** که تعداد فحاشی ها واتهامات امید دانا و پیروان صغیر فکرش میرسد به ۳۶.

توضیح اینکه، پرنسپ یعنی رعایت اصول واصل و اساس و نیز اصول اخلاقی؛ آری! اعلیحضرت بزعم ریاکاران، رعایت مبادی اخلاقی را نمینمایند! ولی آن بچه بدسابقه که آن فحشنامه و اتهام نامه مصدر کار اوست دارای پرنسپ است که در همان برنامه گفته است: **<مادارای کلاس و پرنسپ هستیم>**.

اگر خوانندگان محترم مایلند بدانند که پرنسپیی که امید دانا آنرا از آن خود میداند و احساس غرور میکند و اعلام عام مینماید چیست. به برنامه آقای مهندس شهباز قهرماتی سازمان سربازان پادشاهی رجوع فرمائید (پایان حاشیه)

ادامه کار باکان

امید دانا ریاکار، از برنامه ملاقات اعلیحضرت با سناتورهای آمریکائی برداشت دیگری کرده که تصور نمیکنم از هیچ آدمی بتوانید ویا باور کنید که شنیده شود.

مدعی است که رضاپهلوی با ملاقات با سناتورهای آمریکائی قبح خیانت را شکسته و با سناتورهای آمریکائی دیدار کرده است.

یعنی ملاقات با سناتورهای آمریکائی خیانت است یعنی کسی تاکنون مرتکب این عمل نشده و رضا تنها کسی است که قبح این عمل را شکسته است. تصور نکنید که امید دانا به مهملی و پوچی این ادعا آگاه نیست، ولی در راه تحقیر دشمن انصاف و تعقل و مردانگی بکار گرفته نمیشود، خباثت، دروغ، تهمت و اتهام و فحاشی ابزار کار است.

در این روزها تنها نگرانی جمهوری اسلامی و مجاهدین خلق؛ نیروی معنوی و قدرت ذاتی و سنتی شخص اعلیحضرت رضا پهلوی است و عوامل جمهوری اسلامی و هر ایرانی ویا خارجی که در افول قدرت اعلیحضرت گامی ویا قدمی بردارد به اهداف سیاسی جمهوری اسلامی کمک کرده است.